

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی عناصر اقلیمی در مجموعه شعری سفره قند اثر علی آوند

(سروده شده به گویش رازی خراسان شمالی)

فاطمه زمانی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کوثر بجنورد

Email: f.zamani@kub.ac.ir

چکیده

ادبیات اقلیمی به آثار هنری اطلاق می‌گردد که مؤلفه‌هایی چون جغرافیا، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد منطقه خاصی در آن مشاهده می‌شود. علی آوند از شاعران شهرستان راز و جرگلان استان خراسان شمالی است که مجموعه شعری سفره قند را به گویش شهر راز سروده‌است. در مقاله پیش رو کوشیده‌است با روشی توصیفی-تحلیلی عناصر اقلیمی تأثیرگذار در این مجموعه شعری را بر سطوح زبانی، بلاغی و فکری شاعر بررسی گردد. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که سطح زبانی اشعار آوند متأثر از فضا و طبیعت روستایی است. کنایات و استعارات و تشبیهات شاعر نیز از محیط جغرافیایی و تجربیات زندگی شاعر از فضا و بافتی اقلیمی و روستایی تأثیر پذیرفته‌است. همچنین آوند نظام اقتصادی و معیشتی ساکنان راز را که مبتنی بر کشاورزی و دامداری است منعکس ساخته‌است. برخی از مؤلفه‌های فرهنگی مانند آداب و رسوم مربوط عید نوروز، باورهای عامه، پوشاک و خوراک و معماری و بازی‌های محلی در اشعار او بازتاب داشته‌است. علاوه بر این، واکاوی عناصر اقلیمی در این مجموعه شعری، هویت بومی ساکنان راز که مردمی ادیب و نکته‌سنج و ساده‌زیست هستند آشکار می‌گردد.

کلیدواژه: ادبیات اقلیمی، گویش رازی، زیست‌بوم، فرهنگ محلی، سفره قند، علی آوند.

۱. مقدمه

انسان پیوند ناگسستنی با محیط پیرامون خویش دارد و محیط می‌تواند بر خصایص فردی و قومی افراد تأثیر بگذارد. از این روی، ذهن و زبان هنرمند نیز از زیست‌بوم و تجربیات زندگی‌اش تأثیر می‌پذیرد و چه بسا بسیاری از شگردهای بلاغی و ادبی و توصیفات ادبی هنرمندان بازتاب خودآگاه و ناخودآگاه محیط طبیعی و اجتماعیشان باشد. ابن‌خلدون معتقد است آب و هوا و محیط اقلیمی نه تنها بر ظاهر افراد و اخلاق و عادات مردمان تأثیر می‌گذارد بلکه در پدید آمدن و پیشرفت علوم، تمدنها، معماری و هنر نیز مؤثر است (ابن‌خلدون، ۱۳۷۹: ج ۱/ ۱۵۰-۱۶۷). ادبیات اقلیمی نوعی از ادبیات است که شاخصه‌های جغرافیایی (آب و هوا، وضعیت طبیعی و ...)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فرهنگی- اجتماعی (آداب و سنن، اعتقادات، زبان، مذهب، نژاد و ...) و اقتصادی منطقه معینی را نشان دهد؛ به گونه‌ای که این شاخصه‌ها وجوه متمایز این منطقه با دیگر مناطق باشد (جعفری، ۱۴۰-۱۴۱). در ادبیات اقلیمی، عناصر بومی و محیطی مانند «فرهنگ مردم شامل معتقدات و آداب و رسوم، مشاغل و حرفه‌ها، شکل معماری منطقه، خوراکی‌ها، پوشش‌ها و زبان محلی، شیوه معیشتی و اقتصادی و تولیدی، مکان‌ها و مناطق بومی، محیط و طبیعت بومی، صور خیال اقلیمی (بومی)، تحولات و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی منطقه» مشاهده گردد (صادقی شهپر، ۱۳۸۹: ۳۷) آبرامز داستانی را اقلیمی می‌داند است که در صحنه و زمینه آن، غالباً آداب و رسوم و سنت‌ها، لهجه و گفتار محلی، پوشش‌ها، فولکلور و حتی شیوه‌های تفکر و احساس مردم یک منطقه نشان داده می‌شود به گونه‌ای که این عناصر، متمایز و مشخص‌کننده یک اقلیم خاص‌اند (آبرامز، ۱۹۹۳: ۱۰۷). از آنجا که هر شاعری از عناصر موجود در طبیعت زندگی‌اش تأثیر می‌پذیرد، به میزان کشف او از جهان و به میزان زندگی شاعرانه‌اش با هر یک از پدیده‌های شعر خود، این عناصر نمود پیدا می‌کند (کسمایی، ۱۳۷۷: ۴۲).

مطالعه در زمینه ادبیات اقلیمی رهیافتی نسبتاً جدید است که در ادبیات معاصر فارسی مورد توجه قرار گرفته‌است. این «دریافت تازه و تغییر زاویه دید درباره اشیاء و پدیده‌های اطراف ره‌آورد دگراندیشی و نوجویی شعر نیمایی است» (فرجی، ۱۳۸۴: ۵۰). پس از نیما گرایش به خلق آثار هنری به زبان و گویش‌های محلی و انعکاس زیست‌بوم، جغرافیا، طبیعت، اقتصاد، فرهنگ و باورهای عامه گسترش یافت. در این بین، شاعران و هنرمندان خراسان شمالی نیز با عنایت به تنوع زبانی و قومی و فرهنگی که در این استان مرزی وجود دارد انعکاس مؤلفه‌های اقلیمی را وجه همت خویش قرار داده‌اند. علی‌آوند از شاعران معاصر خراسان شمالی است که اشعاری به گویش و لهجه شهرستان راز در مجموعه شعری سفره قند سروده است. از ویژگی‌های منحصر به فرد این مجموعه کاربرد فراوان ضرب‌المثل، کنایات، تشبیهات، پوشش گیاهی، اسامی حیوانات، فرهنگ عامه، وضعیت اقتصادی و معیشتی و غیره است. مقاله حاضر می‌کوشد با این فرض که محیط و زیست‌بوم در ساختارهای ادبی، زبانی، بلاغی، فرهنگی و اقتصادی تأثیر گذار است، تأثیر مؤلفه‌های اقلیمی- جغرافیایی را در سطوح زبانی و بلاغی اشعار آوند بررسی و تحلیل کند.

۲. پیشینه تحقیق

در سالهای اخیر پژوهش در حوزه ادبیات اقلیمی چه در نثر و چه در نظم مورد توجه محققان بوده‌است. در حوزه ادبیات داستانی آثار ارزشمندی نوشته شده است. به عنوان نمونه حسن میرعبدینی (۱۳۶۹) در کتاب صد سال داستان‌نویسی ایران در یک فصل با عنوان «ادبیات روستایی و اقلیمی» از دو جریان عمده ادبیات اقلیمی جنوب و ادبیات اقلیمی شمال یاد کرده‌است. قهرمان شیری (۱۳۸۲) در کتاب «مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران» از مکتب‌های آذربایجان، اصفهان، خراسان، جنوب، شمال، غرب و مرکز یاد کرده‌است. علیرضا صدیقی (۱۳۸۸)، در مقاله «بومی‌گرایی و تأثیر آن بر ادبیات داستانی معاصر ایران» توجه به هویت ایرانی اسلامی و تقابل با مدرنیسم از عمده‌ترین مؤلفه‌های داستان‌های می‌داند. در زمینه شعر معاصر نیز مقالاتی در خصوص ادبیات اقلیمی نوشته شده‌اند. از جمله عبدالرسول فروتن (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب عناصر اقلیمی جنوب در اشعار محسن پزشکیان» بازتاب طبیعت جنوب، آداب و رسوم، امثال و حکم، واژه‌های محلی و فرهنگ خطه جنوب را در مجموعه اشعار پزشکیان از شاعران کازرونی معاصر بررسی کرده‌است. مسعود روحانی و محمد عنایتی قادیکلایی (۱۳۹۴)، در مقاله «هویت بومی در شعر منوچهر آتشی»، به بررسی بن‌مایه‌های شعری اقلیم جنوب و محیط بومی آن در اشعار منوچهر آتشی پرداخته‌است و دلایل توجه آتشی به هویت بومی را تحلیل کرده‌اند. درباره ادبیات

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اقلیمی خراسان نیز بیشتر در حوزه ادبیات داستانی پژوهش‌هایی انجام شده است. رحمان مشتاق مهر و رضا صادقی شهپر (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های اقلیمی و روستایی در داستان‌نویسی خراسان» بعد از برشمردن داستان‌های اقلیمی و روستایی خراسان، مؤلفه‌های چون طبیعت، آداب و رسوم، پوشش، مسائل اجتماعی و سیاسی منطقه از ویژگی‌های مشترک این آثار دانسته‌اند. بنابراین مروری بر تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که اختصاصاً در پژوهشی مستقل به ادبیات اقلیمی خراسان شمالی آن هم با تکیه بر گویش‌های رایج در این منطقه انجام نگرفته است. از این روی، مقاله حاضر می‌کوشد عناصر اقلیمی را در اشعار علی‌آوند به گویش رازی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۳. بررسی و تحلیل عناصر اقلیمی

دفتر شعری سفره قند سروده علی‌آوند اولین مجموعه شعری به گویش رازی (متداول در شهرستان راز و جرگلان) است که در سال ۱۴۰۰ در انتشارات بیژن یورد به چاپ رسیده است. این مجموعه شعری را می‌توان یکی از بوم‌سروده‌های ارزشمند خراسان شمالی دانست که علاوه بر واژگان و اصطلاحات و کنایات و ضرب‌المثل‌های رازی، انعکاسی از نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و شرایط زیستی و اقلیمی شاعر است. در پژوهش پیش رو به تحلیل و بررسی عناصر اقلیمی در این مجموعه شعری می‌پردازیم.

۳-۱. انعکاس زیست بوم در واژگان

استفاده از واژه‌های محلی یکی از مؤلفه‌های ادبیات اقلیمی است (صدیقی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). علی‌آوند مجموعه شعری سفره قند را گویش رازی سروده است که حاکی از توجه وی به حفظ زبان مادری خود است. بنابراین با بررسی واژگان این مجموعه می‌توان به محیط زندگی و شرایط جغرافیایی زادگاه شاعر دست یافت. ذکر انواع پوشش‌های گیاهی مانند بُده (بوته)، تَلّی (تلو/ خار)، ناچه (شاخه)؛ انواع پرندگان مانند چوقوک (گنجشک)، قجیر (عقاب)، انواع میوه مانند زردولی (زردآلو)، تایلِه سوزون (بادام تازه)؛ موقعیت‌های مکانی مانند دره، دشت، کوه، رودخانه؛ شرایط آب و هوایی مانند سیل، برف، باران، وضعیت معیشتی مانند کشاورزی و دامداری و غیره دلالت بر این دارد که شاعر در محیطی روستایی زیسته است. در ادامه فهرستی از کلماتی که انعکاسی از محیط زیست شاعر است و در مجموعه شعری سفره قند وجود داشته است یاد می‌شود

گویش رازی	فارسی	گویش رازی	فارسی	گویش رازی	فارسی
بُده	بوته	تاری	دو تار	تَلّی	تلو/ خار
ناچه	شاخه	مولوجه	مورچه	تیجه	
نشقره	نشخوار	بی‌شلب	بی‌برگ	پالز	جالیز
تشی	جوجه‌تیغی	چیللق	رودخانه	جنور	جانور درنده
کوگی	پرنده	زردولی	زردآلو	ناچه‌سوری	درخت سرو
کومگه	کلبه	زایی	زراعت	تایلِه سوزون	بادام تازه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

سب	سیب	اولنگ	دشت	اوسیا	آسیاب
آیش	بادی از جانب شرق	بخمای	آسیاب کردن	جلقه	جلگه
توندت	غنچه	میش	موش	مرگن	صیاد
سوف	دریچه یا حفره‌ای که آب از آنجا وارد باغ می‌شود	چایر و چیماق	علف هرز	کیپ	گرفتگی و مسدد شدن سوراخ
دمو کردی	بی حرکت ماندن آب داخل جوی	بایره	لم یزرع	بیجه	حبه انگور
بَلک	زمین کم و اندک	روته	گندم کوتاه	بیگی	بگیر
فانسقه	کمر بند	دبند	ببند	طلم	ستون
زبند	تیر چوبی بلند	سم چروغی	قرار دادن کنده در بخاری برای تولید زغال	سرنند کردن	تصفیه و تطهیر کردن
یاوزی	زمین لم یزرع و نامرغوب	پرخو	انبار ذخیره غلات	مار کلته	افعی
قوموری	مرغ یا کریم	اوسار	افسار	سیرمه	تازیانه
قیاق	نوعی گیاه	طوله	طویله	گینجی	کشیفی زیر شکم حیوانات
قمچی	تازیانه مخصوص اسب و الاغ	یورونچقه	یونجه	جُوقَره	کاه درشت و زمخت.
پالز بی قوشبون	جالیز بدون نگهبان	قرو	شبنم برفی	طیاق	چوب دستی
دال و درخت	درختان	زنبیر	زنبور	غبن	خوک

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

تسلی	درختچه جنگلی	کوروز	کاریز	دوغ و دوراق	دوغ و ماست
زررات	زراعت	قرنتو	مترسک	اشقله	چوب نازک و کوچک
پلاخ	گندم بی مغز	بایق	مشک	گومی	آبادی، دامداری
توزه	سهمی که آسیابان در ازای آرد گندم دریافت می‌نماید	جوړو	جارو کردن و زدودن	چوقوک	گنجشک
ملخت	ملخ	اوشانه	آشیانه	موخی	کنه
پرپریه	پروانه	طورقیون	گنجشک ماده	تورموق	تخم
گال	رتیل	پلخت	تخم فاقد جنین	کال	دره
قوزی	دامنه کوه	تیاق	چوبدستی	مود گو	گاو ماده
گودر	محدوده و منطقه	بورون	باران	سل	سیل
قجیر	عقاب	قطیر	گوسفند	یتاق	پاسبانی
خره	لم یزرع	بکا	کجا	تندور	تنور
چره	مه آلود	ساچه	سنگی مدوری که روی اجاق می‌گذارند	چو	چوب

جدول ۱. انعکاس زیست بوم در واژگان

۲-۳. طبیعت‌گرایی در کنایات و ضرب‌المثل‌ها

یکی دیگر از نشانه‌های تأثیر اقلیم و زیست‌بوم در اشعار آوند، بسامد کنایات و ضرب‌المثل‌هایی است که برآمده از طبیعت اطراف و محیط زندگی وی بوده‌است.

۱-۲-۳. کنایات اقلیمی راز

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کنایه در لغت به معنی تصریح است و در اصطلاح به معنی ذکر ملزوم و اراده لازم و ذکر لازم و اراده ملزوم است. شمس قیس رازی در تعریف کنایه می‌گوید: «کنایت آن است کی چون متکلم خواهد که معنی از معانی بگوید معنی دیگر کی از توابع و لوازم معنی اول باشد بیاورد و از این بدان معنی اشارت کند، و این صنعت در جمله لغات مستعمل است و به نزدیک خاص و عام متداول» (شمس قیس رازی، ۱۳۳۵، ۳۶۳). در کتب بلاغت جدید منظور از کنایه «عبارت یا جمله‌ای است که مراد گوینده، معنای ظاهری آن نباشد اما قرینه صارفه‌ای که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند وجود نداشته باشد» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۳۵).

بیشتر کنایاتی که در مجموعه شعری سفره قند آمده‌است یا ساخته خود شاعر است و یا کنایاتی است که در بین ساکنان راز متداول است. در هر صورت چه شاعر این کنایات را ساخته باشد و چه از پیش بین اهالی راز این کنایات مرسوم باشند، ارتباط قابل توجهی است که این کنایات با طبیعت و زیست‌بوم دارند. در ادامه به تعدادی از این کنایات اشاره می‌شود:

عبارت کنایی	صفحه	معنی	عنصر زیست بوم و طبیعت
«از دامت برز ای سنگه، ای عزیز»	۱۱	متواضع و فروتن بودن	سنگ
مثل یک خوشه کم دانه بی شلب و کلش / شاخه عمر مونوم رنچستی د ثمر	۱۳	بی‌ثمر بودن	خوشه کم دانه بی‌شلب و کلش شاخه
د ایز خوبی آدم ته د ای دوره نبه وسط چله کلون زردولی تازه و تر؟	۱۵	کنایه از کار غیر ممکن	زردولی (زردآلو) چله کلون (زمستان)
بیجه‌ای هم پس بده از سفره‌ی قندت برا	۳۱	مقدار ناچیز و اندک	بیجه (حبه انگور)
جور رفق بکش از چو که کم نیه / درسی بیگی رفق از طلیم و از زبند	۳۴	به کمک دوستانت بشتاب از ستون و تیرهای سقف که کمتر نیستی	طلیم: ستون؛ زبند: تیر چوبی بلند.
خوراک آدمون دوغ و دوراقی	۵۸	غذایی مختصر و ساده	دوغ و دوراق

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

پلاخ: گندم بی مغز ایاسی: شبنم برف	کنایه از فقر و نداری	۶۰	پلاخی خوشه گندم چه حاصل / ایاسی خانه مردم چه حاصل؟
سوپایه، یایق	نیازمندی افراد بشر به یکدیگر	۵۸	سو پایه تا که هستی یایقم هست / اوه دریا که هستی قایقم هست .
سوری، جنور	انسانهای فرودست با مصایب فراوانی مواجه می‌شوند	۵۹	د ای سوری کسی که یگی دوردی / همو یگی گرم جنور ببردی
باغ	لذت بردن و تفریح کردن	۶۵	کله ملوغی بجنون مین باغ کلمه هونگو بکرون داغ داغ (۶۵)
چوقوک	اثری باقی نماندن	۷۴	وا همه اولدوروم و بولدوروم / پر پوته زره چوقوک آبه گم
بهار	شادمانی و دارایی	۷۵	خانه‌ای ویرون بنبو دم بهار
گرگ	پرهیز از طمعکاری و حرص	۷۵	خم طمعی گرگ وجودت اگر / واخذ چو گرگه دیببچون بشیر
مار	از بین بردن غم و اندوه	۷۸	کاش یا رب از برای رحمتت / کله مار غمه هگرده پت
گوساله و مودگو (گاو ماده)	تحمل سختی و مرارت	۷۹	چون د پیش غصه چشمه خو کری / نارنین گوساله ر مودگو کری

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۳-۲-۱. ضرب‌المثل‌های اقلیمی راز

علامه همایی در توضیح مثل می‌آورد: «مثل عبارت نغز پر معنی است که شهرت یافته، در خور شهرت قبول عام باشد اعم از اینکه مبتنی بر قصه یا داستان بلند و مورد و مضرب داشته باشد یا نباشد» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۹۵). ضرب‌المثلها آیینۀ تمام‌نمای فرهنگ، هنجارهای اجتماعی، عقاید و اندیشه‌ها، طرز زندگی، منش، مناسبات، تمدن، اخلاق و معیار ذوق ملت‌هاست. مثل‌ها حاوی زبده افکار و آرای نسل‌ها و تجارب اشخاص دانا و آزموده‌است. مثل‌ها معرف آمال، آرزوها، غم‌ها، شادی‌ها، نفرت‌ها، اوهام و خرافات هست و نشان‌دهنده خردمندی و ذوق و ذائقه هر ملتی است (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۷). در جدول زیر به کنایاتی که از اقلیم و طبیعت راز متأثر شده‌اند ارائه می‌گردد:

مثل رازی	صفحه	مفهوم	معادل مثل فارسی	عناصر زیست بومی
تا که نگولی زمینه چاک چاک / خمره‌ای پیدا بنمو مین خاک	۸۰	ترغیب به کار و کوشش	نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود	زمین، خاک، خمره
از زرونی مین ایوون تا نشی / پس نصیب بو همیجور ناخوشی		برای نجات از وضعیت دشوار باید تلاش و حرکت کرد	از تو حرکت از خدا برکت	زرونی (پله) ایوون (ایوان / خانه)
د مین چله توموسم سوزی / او زمینی که دای سربندی	۵	زمینی که در نزدیکی جوی آب باشد در میانه تابستان نیز کاملاً سرسبز و با نشاط است	خوشبوی بود کلبه همسایه عطار	زمین، سربند
هگشه بار که و دانه ر خر / جو ولی نشقره گوسبندی	۶	معنی: بار را خر می‌کشد و گوسفند جو را نشخوار می‌کند.	جان‌کندن خر خوردن یابو	خر، گوسفند، نشخوار

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

پالیز، زمین، بی‌بنه، تشی		تشی (نوعی جانور) زمین بی حاصل را نمی‌کند. عمر بی ثمر به نگهبان نیاز ندارد	۱۴	قوشبون پالز عمرین که نداره بنه‌ای زمین بی‌بنه ر پنجه تشی چه اثر؟
چیلایق (رودخانه)	دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی	آب رودخانه به واسطه حرکتش زلال است دوست و نادوست نیز در خلال سفر شناخته می‌شود	۱۱	أو چیلایق اوبی صاف از حرکت، ای رفقون رفق خوب و بدّه بوشنوسی هونگو د سفر
طاووس، شانه به سر	جای چشم ابرو نگیرد هر چه او بالاتر است.	انسان می‌خواهد با زیورات دنیوی خود را بیاراید. حال اینکه پرنده‌ای همچون هدهد نمی‌تواند با استفاده از زیورات در جایگاه طاووسی زیبا قرار بگیرد	۱۴	هر کسی زلف سیاگه به یه رنگی جوه کد جای طاووسه ولی ننگیره‌شن شانه به سر
جوی دشت	با ماه نشینی، ماه شوی ، با دیگ نشینی سیاه شوی	یعنی آب میان جوی روان است اما اطراف خود را هم مرطوب می‌کند. بوی خوش گلاب تمام عالم را فرا می‌گیرد.	۱۰	أو مین جوویی و نم گه به دور و بر هینگیره عالمه بوی خوشت؛ گلاب

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

برّه، دوندون (دندان)، جنور (جانور)، چپر	گرگ در لباس میش	دل ساده من همچون بره‌ای ست که اسیر چنگال گرگها شده. باید او را از انسان‌های گرگ صفت دور نگاه دارم.	۱۴	برّی ای دل که بکفتی به دن دوندون گرگ مال جنور جیه ر هونگو دبندی د چپر
عناصر زبانی: خانه گفته (خانه ویران)، جگا (رختخواب)	کسی به درخت بی‌ثمر سنگ نمیزنه	کسی به آدم بی کس و کار توجهی ندارد همانطور که کسی در خانه خراب رختخواب نمی‌اندازد		د مین خانه گفته کسی نندازه جگا/ به ری آدم گفته کسی نندازه نظر
کلاغ تیجه کلاغ		یک عقاب با هزاران کلاغ برابری می‌کند زیرا کلاغ‌ها زندگی خفت‌باری دارند و از لجنزارها غذا می‌خورند .	۱۶	د لجن دجنه ننج خنگه تیجه کلاغ کمتری زوربه کلاغ از قوش بی‌پنجه و پر
مورچه دانه	آدم از کوچکی بزرگ می شود	آدم از مورچه کمتر نیست	۱۶	مولوجون هگشنی دانه‌گونه وا سر پا دست آدم که نی از پای مولوجون کمتر
عناصر زبانی: مه (من)، ته (تو)، بی صاب (بی صاحب)، خمه (خودم را)، تره (تو را)		معشوق دزد دل عاشق است.		مه وزیرین و ته دزد دل بی‌صاب میه عاقبت هونگو خمه دزد و تره شا کرونی (۱۹)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

گل گلمونده	مار از پونه بدش میاد جلوی لانه‌اش سبز میشود.	هیچگاه از مصائب و مشکلات زندگی فرار نکن زیرا به زودی تو را در آغوش خواهد گرفت.	۲۱	نصیب اوّمو همو چیزه که از او بیزی گل گلمونده دم خانه ماری ای دوست؟! (۲۱)
برّه، قره قوش، تیجه ساری	هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت	هر کس باید به میزان توانایی خود تلاش کند و به اندازه تلاشی که می‌کند روزی خود را کسب نماید.		بچه هونگو ایز برّه بگرده قره قوش / روزی ای قره قوش، تیجه ساری ای دوست (۲۱)
عناصر زبانی: چله درستی (وسط زمستان)، قینگ (یخ زدن دست و پا)		در سختی روزگار، اگر چه انسان گرفتار مشقت و رنج می‌شود اما هر کسی که از حداقل امکانات برخوردار باشد خوشبختی را احساس خواهد کرد.		د مین چله درستی که قینگ اّمو پا / گرمی او دست که یک کاسه چایی داره (۲۵)
زایی (زراعت)، درو کردن، خرمن چینی	نابرده رنج گنج میسر نمی شود	آدمی محصول برداشت می- کند که زراعتی دارد.	۲۵	زندگی مثل درو کردن و خرمن چینی آدمی زیت درو کردی که زایی داره
بچرخای (بچرخد) سب: سیب واز: باز عنصر زبان محلی	یک سیب را که بالا بیندازی هزار چرخ می خوره تا پایین بیاد	نظرم درباره تو تغییر کرده اما باز هم به سمت من بیا	۲۶	فیلّم از تانه دگردای، ولی واز بییه / سب تقدیر بچرخای، ولی واز بییه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

زندگی مثل اولنگی، پری از رایه و گل اسپ تقدیر بچرای ولی واز بیبه	۲۷	زندگی همچون دشتی پر از گل‌های رنگارنگ است. حوادث زیبایی‌های زندگی را از ما گرفت ولی باز به سمت من بیا	هر جا گله خار هم هست اولنگ (دشت)، رایه و گل (رایحه و گل) اسب، بچرای (بچرد) محیط روستایی
بودوشون چون کلون کردین شگاره/ شگار زندگی اما نر آبه	۳۹	زندگی را سپری کردم به این امید که چیزی بدست آورم اما جز افسوس چیزی حاصل نشد.	بودوشون (بدوشم)، کلون (بزرگ)، شگار (شکار) عناصر دامپروری
به عشق سُم چُروغی، روشنی دل / ولی ای کنده رم خاکستر آبه	۳۹	به شعله کوچکی که در دلم روشن بود امیدوار بودم ولی آن هم خاموش شد.	سُم چُروغی، کنده (هیزم)، خاکستر
چقد خوبی که آدم، بهتر اوبو د وقت لو لوقاز، گوشی کر اوبو	۵۵	چقدر خوب است که انسان‌ها مهربان باشند و اشتباهات یکدیگر را ببخشند	یه گوش رو در کردن یه گوش را دروازه لو لوقاز عنصر زبان محلی
هرای از دوله‌ی گرگی که از دور / بوی یک بره چشمونگه گره کور	۵۴	امان از گرگ صفت‌هایی که با کمترین چیزی تطمیع می‌شوند و چشم خود را به روی انسانیت می‌بندند.	عاقبت گرگ زاده گرگ شود/ گرچه با آدمی بزرگ شود گرگ، بره دوله: زوزه
بجن او سگ که وا ضرب نواله د دور سوری گوسبند بناله	۵۴	از انسانی که بخاطر اموالت با تو دوستی میکند پرهیز کن	شریک دزد و رفیق قافله سگ گوسفند

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

سگی که واخده جنور برای سزای سوری ماله بدایی	۵۴	سگی که با گرگ‌ها پیمان برادری بسته گوسفندان ما را دریده است.	شرکت دزد و رفیق قافله	سگ جنور (جانور) حیوان درنده)
نگا چو پاچمال کردی زراته / غبن، تا خولی بیدی جای پاته	۵۴	خوکها مادامی که چشم تو را دور ببینند زراعت تو را لگدمال خواهند کرد	غبن (خوک) زرات: زراعت پاچمال کردی (خراب کردن)	
رفیقی که د سفرت نون بخوردی / بُک کردی و گوسبندی ببردی	۵۴	دوستی که سر سفره رفیقش نان و نمک خورده اما به او خیانت کرده است	نون خوردن و نمکدانش شکستن	بُک: گله کوچک گوسفند
پنجه و پاگه دکشه مین خاک عزرائیل از مرده بنمو هلاک	۶۸	از شکار کردن صید خود خسته نمی‌شود	عزرائیل بنمو (نمی‌شود)	

جدول ۳. ضرب المثل‌های اقلیمی راز

۳-۲-۳. طبیعت گرایی در تشبیهات و استعارات

محیط زیست روستایی و زندگی کشاورزی و دامداری بر سطوح بلاغی اشعار آوند بویژه در تشبیهات و استعارات او تاثیرگذار بوده‌است. وی در توصیف دشواری عشق آن را به آسیاب و عاشق را به دانه گندم تشبیه کرده‌است که زیر فشار آسیاب عشق له می‌شود.

اوسیا؛ عشقی و ای سینه آدم؛ دانه
دانه ر عشق بخمای، ولی واز بییه^(۲۷)

یا شاعر با توجه به تأثیری که از طبیعت پیرامون خود گرفته‌است زندگی را همانند باغی پر از درخت می‌داند که انسان‌ها درختان این باغ هستند و فرزندان‌شان مانند غنچه:

زندگی باغی پر از دال و درختی ای عزیز
آدمی چون ناجی و ای مشغله، توندت برا^(۳۰)

^۱ اوسیا: آسیاب/ بخمای: آسیاب کردن.

^۲ توندت: غنچه؛ ناجی: درخت؛ مشغله: فرزندان.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شاعر با تصویری که از گرفتگی مسیر آب به وسیله خس و خاشاک و علف‌های هرز در ذهن دارد، احاطه شدن توسط افراد نالایق را به آن مانند کرده‌است:

کیپ کردی سوف باغه، ناجه و شلپ چپر
چایر و چیماق کردی همه بندت بر^۳
پشت بل هونگو کری ای بنده تا سرقولبه گه
او دمو کردی اگر تا مین سربندت بر^۴ (۳۰)

همچنین عمر را همانند باغی می‌داند که افعی غم دور و بر آن را گرفته باشد:

د دور باغ عمرم غصه و غم
مثال مار کلته^۵ چنبر آبه (۳۸)

دل را به پرنده‌ای مانند کرده‌است که شکارچی آن را شکار کرده‌است

دل بیچاره کوگی دست مرگن^۶
کنار بلکه کوگ دل پر آبه (۳۹)

و یا در تشبیهی دیگر دل به سبزی محلی (شونگی) که چون چیده نشده (یعنی دلدار و کس و کاری ندارد) دیگر قابل استفاده نیست.

مثال بلک سیری، شونگی دل
ولی از بی کسی شونگی خر آبه (۳۹)

دل بی‌یار و یاور سرد و بی روح است همانند خانه‌ای است که در زمستان سقفش فرو ریخته:

ایاسی مین چله خانه دل
بکفتی برف و چو ختم زمر آبه^۷ (۳۹)

در بیتی دیگر شاعر عمر بی‌حاصل خود را به زمین لم‌بزرع تشبیه کرده‌است:

یاوزی ای حاصل عمرم اگر
واخده ای کار هونگو چو کرون (۴۱)

^۳. شلپ: خار و خس و خاشاک. کیپ کردی: وقتی سوراخ چیزی بسته شود میگویند کیپ شده. باغ زندگیت را پر از علف‌های هرز کردی.

^۴. دمو کردی: بی حرکت ماندن آب داخل جوی؛ سرقولبه: سرچشمه.

^۵. مار کلته: افعی .

^۶. کوگی: پرنده؛ مرگن: صیاد .

^۷. دلم چون خانه ای که در زمستان سقفش فرو ریخته، سرد و بی‌روح است.

^۸. یاوزی: زمین لم بزرع و نامرغوب.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۳-۲-۴. انعکاس جغرافیا و اقلیم

در مجموعه شعری سفره قند نام شهر راز و مختصات مکانی آن مانند وجود کاریزها (کوروزون) و چشمه سارها، کال (گذرآبهای سیل)، باغستان‌ها، دره و دامنه کوه (قوزی)، جلقه (جلگه)، بورون (باران)، زمین طقره و زمین خرّه (زمین خشک شده)، اولنگ (دشت)، سیل (سیل)، یاد شده است که خواننده را با محیط کوهستانی جغرافیای زادگاه شاعر آشنا می‌کند:

ته بویی شاه، خمه بر ته هویدا کرون۱ (۱۹)	قله رازی و یک مملکت عشق دیا
غمون بالای اسبی چیتو اوبو (۵۶)	چقدر خوبی کوروزون پر او اوبو
گشت و گذاری بکرون مین کال (۶۵)	مدتی هونگو بکرون عشق و حال
همرونی خانمه تا مین باغ (۶۵)	روزه که افتو بکره داغ داغ
خانه‌ای برپا کری تا گپ بجی (۶۶)	بر جته هر تیجه دیان قوزی ^{۱۰}
قاتلای جلقه قجیری، برا (۶۸)	شاه بیوبون اگه شیری برا
زمین طقره سر گل که ایمشو (۸۱)	بیه دیوانه بورون سل که ایمشو
زمین خرّه ^{۱۲} را آباد بیدین (۸۱)	بیه بورون تره دلشاد بیدین
صدای شرشر او ذره‌ای کال؟ (۸۲)	بکا بشه اولنگ و برّه دنبال ^{۱۴} !

همچنین شاعر به شرایط آب و هوایی زادگاهش و تغییر و تحولات آسیب‌زنده‌ای که در سالهای اخیر داشته است نگاه ویژه‌ای دارد. چرا که آب و هوای معتدل و کوهستانی، بارش فصلی باران، ورزش بادهای موسمی و غیره در وضعیت معیشتی و تولیدات کشاورزی ساکنان مناطق روستایی راز نقش مهمی دارد:

هوای چزه دولون، باد آیش ^{۱۴}	بکا بشه نون و تندور آتش؟
دل هر خوشه بلرزای، ولی واز بییه (۲۷)	باد آیش ^{۱۵} بجی از جلقه به ای خرمنگه
بکفتی برف و چو ختم زمر آبه (۳۹)	ایاسی مین چله خانه دل

۹. چقدر خوب است که کاریزها پر آب شوند و غم و غصه را بر اسبی سوار کنیم.

۱۰. قوزی: دامنه کوه

۱۱. جلقه: جلگه

۱۲. خرّه: لم بزرع و بی محصول.

۱۳. آن علفزارها و آبی که کنارش جاری بود کجاست؟

۱۴. نان تنوری هوای مه آلود و بادهای موسمی کجاست؟

۱۵. آیش: بادی از جانب شرق

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زمین بر یک قرو،^{۱۶} آزار و سفیل بو (۵۳)

اگر ای چله، ایمسالم بخیل بو

۳-۲-۵. پوشش گیاهی

علاوه بر انعکاس زیست‌بوم در سطوح زبانی و بلاغی کلام (کنایات، ضرب‌المثل‌ها، تشبیه‌ها و استعارات)، در سروده‌های علی‌آوند به نام برخی از گیاهان و درختان اشاره شده‌است که نوع پوشش گیاهی منطقه شاعر را آشکار می‌کند. یاد کرد شاعر از درختانی چون سرو (ناجه سوری) و تسلی (درختچه جنگلی) در اشعارش به وجود منطقه‌ای جنگلی در اطراف وی دلالت دارد. برای نمونه می‌توان به ابیات زیر اشاره کرد: زندگی ناجه سوری و نداره خزونی (۱۶)؛ چقدر خوبی تسلی گل بده واز (۵۶).

همچنین ذکر نام برخی از میوه‌ها مانند بادام (تایله سوزون)، انگور (بیجه)، سیب (سب)، گیلان و نیز اشاره به برخی از گیاهان و سبزی‌های محلی مانند قیاق و شونگی دلالت بر وجود باغستانها (جالیز) و دشت‌های سرسبز در شهرستان راز دارد. برای نمونه چند بیت ذکر می‌گردد:

بچگون تایله سوزون د مین سیزده بدر (۱۶)
بلک و پاش تسلی، زردی و زاری ای دوست (۲۲)
بیجه‌ای هم پس بده از سفره‌ی قندت برا (۳۱)
ولی از بی‌کسی شونگی خر آبه (۳۹)

زندگی ناجه سوری و نداره خزونی
عشق گیلاس بهاری و هوس چون تسلی
پالزت چون سفره‌ی قندی اگر، بم مستمند
مثال بلک سیری، شونگی دل

۳-۲-۶. حیوانات بومی

یکی دیگر از موضوعاتی که در ارتباط با جغرافیا و زیست‌بوم در اشعار علی‌آوند قابل توجه‌است، گستردگی اشارات وی به حیواناتی است که در زندگی و معیشت مردم این منطقه نقش‌آفرین هستند از جمله گوسفند، سگ، خر، اسب، گاو، گوساله و نیز حیواناتی که تهدیدی برای سامان اقتصادی خانواده‌های دامدار و کشاورز محسوب می‌شدند مانند گاو و جانور (حیوان درنده)، غبن (خوک):

بوی یک بره چشمونگه گره کور^{۱۷} (۵۴)
د دور سوری گوسبند بناله
سزای سوری ماله بدایی (۵۴)
غبن، تا خولی بیدی جای پاته^{۱۸} (۵۴)

هرای از دوله‌ی گرگی که از دور
بجن او سگ که وا ضرب نواله
سگی که واخده جنور برایی
نگا چو پاچمال کردی زراته

^{۱۶}. قرو: نم مختصر پایزه.

^{۱۷}. امان از گرگ صفت‌هایی که با کمترین چیزی تطمیع می‌شوند و چشم خود را به روی انسانیت می‌بندند.

^{۱۸}. خو کها مادامی که چشم تو را دور ببیند زراعت تو را لگدمال خواهند کرد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بُلک کردی^{۱۹} و گوسبندی بپردی (۵۴)
پرپریره هگرونی نوش جون (۶۳)

رفیقی که د سفرت نون بخوردی
خوردن موخی نگه بابه تمون

علاوه بر این پرندگان و حیوانات دیگری مانند چوقوک (گنجشک)، طورقیون (گنجشگ ماده)، گال (رتیل)، که در طبیعت و زیست‌بوم این منطقه به وفور یافت می‌شوند، در ساخت معانی شعری آوند انعکاس یافته‌اند:

هنطلبه تا کره اوشانه‌ای (۶۱)
طورقیون هونگ بکشن صف دیا (۶۴)
گال کلونی بیگیرون بر خنم (۶۵)
بیخبری گرا آنرخ قطیر (۶۷)
دور بنمو قجیری وا تیاق (۶۸)
لقمه شیرینی چوقوک نسم شو (۷۰)

زرده چوقوک د زر خانه‌ای
طورقیون: گنجشگ ماده
کرمی آ لای علفون بر جنم
مار هروسون بوزه از قجیر
تا نگیره بره‌ای مین یتاق
مار د سیلی و چوقوکم کلو^{۲۱}

۳-۳. فرهنگ محلی

در مجموعه شعری سفره قند به به یکی از مشاهیر ادب خراسان شمالی و برخی از اعیاد و مراسم و آیین، ابزار و وسایل کار، شغل و حرفه مردم، معماری و ساخت بناها و غیره اشاره شده‌است که بازتابی از فرهنگ بومی شهرستان راز است.

۳-۳-۱. نام آوران محلی

مختومقلی یکی از شاعران و نوازندگان شناخته‌شده در سطح استانی و ملی است.

شعر مختومقلی و سوز دوتاری ای دوست (۲۲)

همدم ای دل عاشق همه شو تا به سحر

۳-۳-۲. اعیاد و مراسم

عید نوروز از اعیاد باستانی ایرانیان است که در بین تمام اقوام و طوایف ایرانی هر ساله از روز اول تا سیزده فروردین ماه برگزار می‌گردد. آوند نیز در یکی از سروده‌های خود به سیزده‌بدر اشاره کرده‌است. در این روز مرسوم است خانواده‌های ایرانی، خارج از منزل خود در

۱۹. بُلک کردی و گوسبندی بپردی.

۲۰. موخی: کنه‌ها.

۲۱. کلو: گنج و پکر؛ نسم: نصف

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

طبیعت به تفرج و شادمانی بپردازند و از سبزی‌ها و میوه‌های تازه از شکوفه بیرون آمده می‌خورند. آوند در بیت زیر ضمن تشبیهی به مراسم سیزده بدر زادگاهش اشاره کرده‌است:

زندگی ناجه سوری و نداره خزونی
بچگون تایلله سوزون د مین سیزده بدر (۱۶)

۳-۳-۳. وضعیت اقتصادی و معیشتی

کشاورزی و دامداری دو رکن اصلی نظام اقتصادی و معیشتی ساکنان شهرستان راز و جرگلان (در مناطق روستایی) است. نشانه‌هایی از فرهنگ و آداب و رسوم زندگی کشاورزی و دامداری در اشعار آوند انعکاس یافته است. وی به خرمن کوبی، زراعت و کشت و کار، به استفاده از مترسک در مزارع و غیره اشاره دارد:

بوشو بی ردّ اوبو ای اسب بد بار
زرات روته که بی‌برگ و باری
اوسیا؛ عشقی و ای سینه آدم؛ دانه
پالزت چون سفره‌ی قندی اگر، بم مستمند
ای بَلک وجود گندمگه روته به
خوشی خرمن کما، خربار خربار (۵۶)
قرنتو^{۲۲} مین ای گندم چکاری؟ (۵۷)
دانه ر عشق بخمّای، ولی واز بییه (۲۷)
بیجه‌ای^{۲۳} لهم پس بده از سفره‌ی قندت برا (۳۱)
موشوله‌ای بیگی، فانسقته دبند^{۲۴} (۳۴)

۳-۳-۴. ابزار و وسایل

ابزار و وسایل گوناگون یاد شده در اشعار آوند جنبه‌های مختلفی از فرهنگ و شیوهٔ زیست ساکنان راز را مشخص می‌کند. مثلاً ابزاری چون موشوله (داس) بر رواج کشاورزی در این منطقه دلالت دارد:

ای بَلک وجود گندمگه روته به
موشوله‌ای بیگی، فانسقته دبند (۳۴)

سوپایه (سه پایه)، یایق (مَشک) نیز دلالت بر تهیه محصولات دامی مانند ماست، کره و دوغ دارد:

سو پایه تا که هستی یایقم هست
اوه دریا که هستی قایقم هست .

^{۲۲}. فرنتو: مترسک

^{۲۳}. بیجه: حبه انگور، مقدار ناچیز.

^{۲۴}. بَلک: زمین کم و اندک؛ روته: گندم کوتاه؛ بیگی: بگیر؛ فانسقته: کمر بند؛ دبند: ببند. اگر گندم زار زندگی دوستان ضعیف و بی حاصل بود، با این حال کمر همت را ببند و داس خود را بردار.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ابزاری چون کله (اجاق سنگی)، سنک ساچه (سنگی که روی اجاق می‌گذارند)، سورکو (هاون)، پلاس (نوعی زیر انداز بافته شده از موی بز) بر محیط روستایی دلالت دارد:

کله و سنگ ساچه کرده از یاد	تبر کرده خته، ای داد بیداد (۸۳)
به ناز دسته‌ی سورکو ^۵ عید	به حول حالنای هر شو عید (۸۳)
بر ای خانه تا وقته <u>پلاسی</u>	مثال زندون ای خانه ایاسی (۵۷)

علاوه بر ابزار و وسایل به یک مورد از پوشش زنانه (قیقاچ) و دو مورد از پوشش مردان (فانسقه و قولپیچ) به هنگام کار اشاره شده‌است:

به چشم خوشگل‌ت‌ای یار سوگند	به قیقاچ کُشرت دلداری سوگند (۸۳)
به او فانسقه ^۷ و قولپیچ ^۸ طُفر	به زنجیر زولفی و گروانکه بر (۸۳)

شاعر در یک مورد نیز از ابزار موسیقی یعنی «دو تار» که به صورت کلی در استان خراسان شمالی از سازهای محبوب و مردمی است، یاد کرده‌است:

همدم ای دل عاشق همه شو تا به سحر	شعر مخته‌مقلی و سوز دوتاری‌ای دوست (۲۲)
----------------------------------	---

۳-۳-۵. بازی‌ها

شاعر در یک بیت به دو بازی که بیشتر بین دختران مرسوم بوده‌است اشاره می‌کند:

مثل دختری که گره کردی همه درد و غمه	کیف خز خز کدن و خوردن بایی ^۹ داره (۲۴)
-------------------------------------	---

۳-۳-۶. معماری

۲۵. هاون سنگی موجود در حیاط قدیمی خانه‌ها.

۲۶. قیقاچ: روسری سه گوش

۲۷. کمر بند

۲۸. مچ بند

۲۹. کیف خز خز کدن و خوردن بایی داره

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در چند بیت به سقف چوبی خانه‌ها و جایگاه نگهداری از حیوانات مانند طویله (طوله) اشاره شده‌است که باز دلالتی است بر معماری روستایی:

اگر زمر کره چوخت لکندون
جای بر طوله، پلاسی دیا
هوای چوخته دارن ای زبندون (۵۵)
مثل یه زندون، چه ایاسی دیا (۵۱)

۴. نتیجه

مطالعه عناصر بومی و اقلیمی مجموعه شعری سفره قند نشان می‌شد که نه تنها زبان شعری علی آوند گویش رازی است بلکه جلوه‌هایی از محیط جغرافیایی و زیستی او در اشعارش انعکاس یافته است. بسامد قابل توجهی از واژگان شعری او مانند بُده (بوته)، ناجه (شاخه)، نشقره (نشخوار)، تشی (خارپشت)، کوگی (کوبه)، کومگه (کلبه)، سب (سیب)، آیش (باد از جانب شرق)، توندت (غنچه)، سوف (دریچه و حفره)، فانسقه (کمربند)، قیاق (گیاه) به محیط روستای و اقلیمی شاعر دلالت دارد. همچنین کنایات زبانی مانند «وسط چله کلون زردولی تازه و تر»، «سو پایه تا که هستی یایقم هست»، «واخذ چو گرگه دیپیچون بشر»، «کله مار غمه هگرده پت»، «نارنین گوساله ر مودگو کری» و ضرب‌المثل‌های همچون «عزرائیل از مرده بنمو هلاک»، «د وقت لو لوقاز، گوشه کر اوبو»، «ولی ای کُنده رم خاکستر آبه» مورد استفاده او مانند متأثر از محیط طبیعی و تجارب روزانه شاعر است. شرایط آب و هوایی معتدل و جلگه‌ای و نیز انواع پوشش‌های گیاهی مانند سرو (ناجه سوری) و تسلی (درختچه جنگلی) در اشعارش به وجود منطقه‌ای جنگلی در اطراف وی دلالت دارد. همچنین ذکر نام برخی از میوه‌ها مانند بادام (تایله سوزون)، انگور (بیجه)، سیب (سب)، گیلاس و نیز اشاره به برخی از گیاهان و سبزی‌های محلی مانند قیاق و شونگی دلالت بر وجود باغستانها (جالیز) و دشت‌های سرسبز در شهرستان راز دارد. علاوه بر این، نمودهایی از فرهنگ محلی مانند ابزار و وسایل ابزاری چون کله (اجاق سنگی)، سنک ساچه (سنگی که روی اجاق می‌گذارند)، سورکو (هاون)، پلاس (نوعی زیر انداز بافته شده از موی بز)، پوشش زنانه و مردانه مانند قیقاچ (رو سری سه گوش)، فانسقه و قولپیچ (کمربند و مچ‌بند)، آیین و رسوم نوروزی، وضعیت معیشتی و اقتصادی مبتنی بر کشاورزی و دامداری و معماری محلی مانند خانه‌های روستایی و محل نگهداری احشام در سروده‌های او وجود دارد. کاربرد این عناصر اقلیمی در اشعار آوند دلالت بر تلاش شاعر برای حفظ و پاسداشت از ارزش‌های سنتی و فرهنگ بومی خود است و کوششی برای معرفی هویت بومی خود به مخاطبانش است.

منابع

آوند، علی، سفره قند، بیژن یورد، بجنورد: ۱۴۰۰.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جعفری قنواتی، محمد، در قلمرو ادبیات اقلیمی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۶۵-۶۶، اسفند و فروردین، ۱۳۸۳، صفحات ۱۴۰-۱۴۵.

ذوالفقاری، حسن، بررسی ساختار امثال، مازیار، تهران: ۱۳۸۴.

روحانی، مسعود، عنایتی قادریکلایی، محمد، هویت بومی در شعر منوچهر آتشی، پژوهشنامه ادب غنایی، سال ۱۳، شماره ۲۴ (بهار و تابستان)، ۱۳۹۴. صفحات: ۱۱۸-۱۶۹.

شمش قیس رازی (۱۳۳۵)، المعجم فی معاییر الاشعار العجم، به تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، با مقدمه مدرس رضوی، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۳۵.

شمیسا، سیروس، بیان، فردوس، تهران: ۱۳۷۰.

شیری، قهرمان، مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران، چشمه، تهران: ۱۳۸۲.

صادقی شهپر، رضا، «نخستین رمان اقلیمی در داستان نویسی معاصر ایران»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۰، مرداد ماه: ۱۳۸۹، صفحات ۳۵-۳۹.

صدیقی، علیرضا، «بوم‌گرایی و تأثیر آن بر ادبیات داستانی معاصر ایران»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۵، زمستان، ۱۳۸۸، صفحات ۹۵-۱۱۶.

فرجی، فرشید، «نیما و طبیعت‌گرایی»، شعر، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۴، صفحات ۵۰-۵۳.

فروتن، عبدالرسول (۱۳۹۴)، بازتاب عناصر اقلیمی جنوب در اشعار محسن پزشکیان، مجله ویژه‌نامه فرهنگستان (ادبیات انقلاب اسلامی)، دوره اول، شماره ۲، پاییز: ۱۳۹۴ صفحات ۴۷-۶۷.

کسمایی، الهه، دریا در شعر شاعران جنوب، گلچرخ، شماره ۱۹، اردیبهشت، ۱۳۷۷. صفحات ۳۹-۴۲.

مشتاق‌مهر، رحمان، صادقی شهپر، رضا، ویژگی‌های اقلیمی و روستایی در داستان‌نویسی خراسان، فصلنامه جستارهای ادبی، شماره ۱۶۸، بهار: ۱۳۸۸. صفحات ۸۱-۱۰۸.

میرصادقی، جمال (۱۳۸۳)، صد سال داستان‌نویسی ایران، جلد اول، چشمه، تهران: ۱۳۸۳.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴)، معانی و بیان، به کوشش ماهدخت همایی، هما، تهران: ۱۳۷۴.

Abrams, M.H . A Glossary of literary terms, 6 ed., cornell university. 1993.